

ارزیابی سیاستگذاری‌های صدور انقلاب اسلامی ایران از منظر ماتریس سوات (SWOT)

مهدی شایسته^۱

غلامرضا عراقی^۲

چکیده

طی سی و اندی سال تلاش جهت صدور انقلاب اسلامی دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای برای ایران پدید آورد انقلاب اسلامی را باید نقطه عطفی بارز و برجسته در بیداری اسلامی در منطقه تلقی نمود. فرایندی که در سایر کشورها نیز آثار خود را به تناسب نشان داد. از مهمترین بازیگرانی که در پشتیبانی از بیداری اسلامی نقش برجسته‌ای دارد جمهوری اسلامی ایران است که نتیجه اقدامات صبورانه و مجدانه خود را در صدور انقلاب مشاهده می‌کند؛ در طول ۳۶ سال سیاستگذاری متنوعی برای پیشبرد سیاست صدور انقلاب همواره مورد توجه مسئولین نظام قرار داشته است که همواره با فرصت و چالش‌هایی توأم بوده است سیاست صدور انقلاب اسلامی علی‌رغم شدت و ضعف‌ها و فراز و فرودها در همه کاینه‌های تشکیل شده پیگیری شد. برای ارزیابی سیاستگذاری‌هایی که امکان صدور انقلاب اسلامی را در فضای منطقه‌ای کنونی که برآمده از فرایند بیداری اسلامی است از مدل سوات (SWOT) استفاده شده است. سوات ابزاری برای شناخت، تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی برای سیاست صدور انقلاب و بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی آن به‌منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل این سیاست‌ها می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که از لوازم اصلی موفقیت در مسیر نیل به اهداف گفتمان صدور انقلاب درک واقع بینانه وضعیت موجود است تحلیل نادرست از فرصت‌ها و تهدیدها از یکسو و ضعف و قوت‌های مرتبط با گفتمان صدور انقلاب می‌تواند به تضعیف و در نهایت فراموشی گفتمان صدور انقلاب شود.

کلید واژه‌ها: صدور انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، مدل تحلیلی SOWT، سیاستگذاری فرهنگی.

Email: shayesteh22@gmail.com

۱- کارشناسی ارشد سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (نویسنده مسئول)

Email: ghoramrezaaraghi@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

مقدمه

بدیهی است که اندیشه‌ها و تفکرات برآمده از انقلاب اسلامی ایران همانند سایر انقلاب‌های اجتماعی در محدوده خود باقی نماند پس از پیروزی انقلاب اسلامی دیدگاه‌های گوناگونی درباره ضرورت و یا عدم ضرورت صدور انقلاب مطرح گردید و فضای سیاسی را تحت تأثیر قرارداد. سیاست صدور انقلاب اسلامی علی‌رغم شدت و ضعف‌ها و فراز و فرودها در همه کابینه‌های تشکیل شده بعد انقلاب پیگیری شد. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، رویکردهای متفاوتی بر دستگاه سیاست خارجی ایران مستولی گشت. به تبع با دقت در گفتمان‌های سیاست خارجی و چگونگی تأثیرگذاری گفتمان‌های مختلف بر رفتار سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌توان به درک بهتری از جهت‌گیری سیاست صدور انقلاب اسلامی رسید. صدور انقلاب از پیامدهای هر انقلاب بزرگ است که هر ملتی برای حفظ و گسترش آرمان‌های انقلابی خود اقدام به صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی خود می‌کند. یکی از عوامل صدور انقلاب تبلیغ دینی بود که از اعتقاد به جهان‌شمول بودن دین اسلام و احساس وظیفه برای ترویج آن به سراسر جهان نشأت می‌گرفت. بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی و توجه امام خمینی(ره) به ایده‌ی صدور انقلاب، به سرعت این ایده از مرحله‌ی فکر به یک سیاست مهم و کاربردی و در نهایت به یک راهبرد همیشگی در جمهوری اسلامی تبدیل شد (افتخاری، ۱۳۸۹).

از جمله دلایل ظهور پدیده‌ی صدور انقلاب در انقلاب‌های جهان‌شمول، این است که تحولات سیاسی در کشورها، به نسبتی می‌تواند کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، شعارهای انقلابی یک ملت برخاسته و خواستار دگرگونی، تأثیر مستقیمی بر شیوه زندگی و نیز حکمرانی کشورهای همسایه می‌گذارد و به دنبال بروز چنین پدیده‌ای، عده‌ای به مخالفت با انقلاب در کشور مادر، بر می‌خیزند و درصدد بر می‌آیند تا با سرکوب آن، مانع نفوذ افکار و اندیشه‌های آن در کشور متبوع خود شوند. کشورهای انقلابی نیز برای حفظ دستاوردهای انقلاب خود، متقابلاً به اقدام می‌پردازند و به اتخاذ روش‌های گوناگونی برای صدور انقلاب مبادرت می‌ورزند. صدور انقلاب ایران را می‌توان به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی دانست که به دلیل ماهیت جهان‌شمول دین اسلام به نوعی متضمن آگاهی بخشی و رهایی بخشی دیگران است (دهقانی فیروز آبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۲۸). صدور انقلاب اسلامی به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی مطرح است که با الهام‌گیری از آموزه‌های اصیل اسلامی نظیر حمایت از مظلومان و مستضعفان و نفی سلطه و استکبار در پی رهایی مظلومان از بند استکبار و رساندن پیام انقلاب ایران به جهانیان است. در واقع، انقلاب اسلامی فقط پدیده‌ای تاریخی نیست که در بهمن ۱۳۵۷ اتفاق افتاده باشد بلکه مهم‌تر از آن آغاز یک گفتمان جهان‌شمول و رهایی بخش، نوید بخش آزادی و مبارزه علیه ظلم در جهان بود. صدور انقلاب اسلامی و دعوت از تمامی جهانیان برای آشنا شدن با مبانی انقلاب هدف اصلی سیاست خارجی ایران است (ملکی، ۱۳۸۵: ۶۸). در واقع تداوم انقلاب در گرو صدور آن است که به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های وزارت خارجه می‌توان آن را مطرح ساخت.

تحقیق حاضر براساس مدل سوات ابتدا اقدام به شناسایی نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت‌های پیش روی سیاست صدور انقلاب خواهد نمود. پس از آن اقدام به دسته‌بندی آنها نموده و در ماتریس‌های مربوط به خود در جدول سوات چینش خواهد نمود. تا راهبردهایی را متناسب با مؤلفه‌های یادشده تعریف نموده و امکان بهره‌گیری از آنها را امکان‌سنجی نماید. در راهبرد قوت- فرصت با ملاحظه به نقاط قوت حکومت اسلامی و فرصت‌های موجود در کشورهای اسلامی که فرایند بیداری را تجربه نموده‌اند راهکارهایی را برای صدور مؤثرتر صدور انقلاب اسلامی بدست آید. دومین راهبرد قوت- تهدید با نگرش توأمان به نقاط قوت داخلی و تهدیدات موجود در محیط داخلی کشورهایی که بیداری اسلامی را تجربه نموده‌اند راهکاری را برای صدور بهتر پیام انقلاب اسلامی به آنها معرفی نماید. سومین راهبرد ضعف- فرصت با عنایت به ضعف داخلی حکومت اسلامی ایران و فرصت‌هایی که در کشورهای اسلامی که بیداری اسلامی را تجربه نموده‌اند ظهور نموده، چهارمین راهبرد به ضعف- تهدید موسوم است که در آن پژوهشگر با لحاظ نمودن ضعف‌های داخلی نظام حکومت اسلامی و تهدیدات پیش‌رو در کشورهای اسلامی که به تبع بیداری اسلامی است.

ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه‌ی صدور انقلاب اسلامی توسط نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی تولید شده است که ابعاد و وجوه مختلف این مفهوم و پدیده را تجزیه و تحلیل کرده است. ادبیات موجود در حوزه‌ی صدور انقلاب اسلامی را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد. دسته اول، تألیفات و تحقیقاتی که در زمینه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است (رضانی، ۱۳۸۰: ۵۷-۷۶؛ محمدی، ۱۳۷۷: ۳۶-۳۸). این پژوهش‌ها، صدور انقلاب را به‌عنوان یکی از موضوعات سیاست خارجی ایران بررسی کرده است. دومین دسته از آثار موجود در زمینه صدور انقلاب اسلامی، شامل پژوهش‌هایی می‌شود که پیامدها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲؛ رضانی، ۱۳۸۲: ۵۵-۷۵؛ رجایی، ۱۳۸۲: ۷۸-۹۲؛ محمدی، ۱۳۸۵؛ حشمت‌زاده، ۱۳۸۵). این ادبیات توجه و تأکید بیشتری بر آثار مستقیم و غیرمستقیم انقلاب اسلامی در محیط خارجی آن مبذول می‌دارد و مفهوم و پدیده‌ی صدور انقلاب در چارچوب کلی‌تر بازتاب انقلاب توضیح داده می‌شود. گرچه رابطه‌ی نزدیکی بین بازتاب و صدور انقلاب وجود دارد، این دو یکسان و مترادف نیست؛ زیرا بازتاب، اثر طبیعی و خودکار انقلاب است که نیازی به طراحی و تصمیم‌گیری سیاسی ندارد؛ اما صدور انقلاب مبتنی بر اراده و تصمیم‌گیری سیاسی است و بر پایه‌ی طرح و برنامه مدونی صورت می‌گیرد. سومین دسته از ادبیات موجود مستقیماً و مستقلاً به بحث و بررسی مفهوم و پدیده صدور انقلاب اسلامی می‌پردازند. هدف این آثار واکاوی و تبیین صدور انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حوزه‌ی مستقل در چارچوب مطالعات سیاست خارجی ایران است (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲؛ فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴).

از بررسی ادبیات و پیشینه موضوع می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌یک از آثار موجود الگوی صدور انقلاب اسلامی ایران راهبردهای صدور انقلاب را مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده است. هر یک از این آثار، یک یا چند بعد از مفهوم و پدیده‌ی صدور انقلاب اسلامی را واکاوی می‌کند. از این‌رو، پژوهش حاضر از چند جهت از ادبیات موجود متفاوت و متمایز است: اول، الگوی صدور انقلاب اسلامی را در سیاست خارجی تبیین

می‌کند. دوم، عوامل و عناصر تأثیرگذار و تعیین‌کننده الگوی صدور انقلاب اسلامی را توضیح می‌دهد. سوم، نقش مؤثر ساختارهای انگاره‌ای به ویژه گفتمان حاکم بر سیاست خارجی را در تعریف و تعیین الگوی صدور انقلاب بررسی می‌کند. پایه صدور انقلاب در ادبیات روابط بین‌الملل بعد از عهدنامه وستفاليا قرار دارد. صدور انقلاب نه تنها منحصر به انقلاب ایران نیست، بلکه به‌عنوان بخشی از رسالت برون مرزی همه انقلاب‌ها تلقی می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۰). انقلاب فرانسه الهام بخش اکثر دموکراسی‌های اروپایی بوده است و انقلاب روسیه هم بر انقلاب‌های چین و کوبا تأثیر گذاشته است. (Eddin, 2002: 96). مفهوم صادر کردن انقلاب از نظر روح الله رضائی، چه در انقلاب اسلامی پیامبر(ص) که می‌تواند وجهی قدسی داشته باشد و چه در انقلاب‌های آمریکا، فرانسه، روسیه که دنیوی و غیرمذهبی بوده‌اند، نتیجه قهری پدیده انقلاب در سراسر تاریخ جهان است که برای انقلاب ایران نیز صدق می‌کند (رضائی، ۱۳۸۸: ۵۵). شعاع صدور هر انقلابی، به شعاع آرمان‌ها، اهداف، زمینه‌ها، دیدگاه شمول‌گرایانه ایده‌های آن و قدرت انقلابیان بستگی دارد. سردرگمی استکبار، راز پیروزی انقلاب اسلامی است (ایزدی، ۱۳۶۱: ۲۱۷). ولی ماهیت صدور انقلاب اسلامی پیش‌بینی‌ناپذیر است.

نظریه پردازان انقلاب مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلاب‌ها می‌دانند زیرا هر انقلابی که در هر گوشه از دنیا اتفاق بیفتد حتی اگر ایدئولوژی جهان‌شمولی هم نداشته باشد حداقل براساس نظریه پخش یا اشاعه بر روی کشورهای همجوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحرکاتی انقلابی در آنها خواهد شد، همان‌گونه که وقوع انقلاب اسلامی ایران موجب بروز ناآرامی‌هایی در عراق، بحرین و عربستان در همان روزهای اول پیروزی انقلاب شد (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۶۶).

صدور انقلاب اسلامی در دوره دولت موقت

مهندس مخالف تفکر صدور انقلاب است و معتقد بود انقلاب در قلمرو مرزهای جغرافیایی سیاسی کشور مورد پذیرش است و بحث صدور انقلاب باعث ایجاد تنش و حساسیت بین‌المللی می‌شود و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش مغایر با اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورهاست. لذا با صراحت اعلام می‌کردند که ما قصد صدور انقلاب را نداریم (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

این دیدگاه مخالف آشکار اندیشه امام(ره) و پیروان او بود. این رهیافت را می‌توان واقع‌گرایی نامید که صدور انقلاب را به الگوبرداری از جامعه نمونه انقلابی تعبیر می‌کرد (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۳). این دیدگاه، گفتمان صدور انقلاب را یک نوع تحریف انقلاب ایران از حقیقت ضد استبدادی و استقلال طلبانه به چهره ضد امپریالیستی و آزادی بخش جهانی می‌دانست (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۱۴). به نظر می‌رسد واهمه ملی‌گرایان از تفکر صدور انقلاب این است که این مسئله فضای مبارزاتی جدید و مداومی را بازتولید کند و ایران را دائماً درگیر خود می‌کند. فضای مبارزه از مردم ایران علیه شاه به مبارزه مستضعفان علیه مستکبران، اسلام علیه الحاد، ایمان علیه کفر منتقل می‌گردد. اینها تصور می‌کردند، صدور انقلاب فاز جدیدی است که از سوی امام و طرفدارانش باز می‌شود، در حالی که مرکز گفتمان انقلابی امام، خداگرایی همه انسان‌ها بود.

اولین رویکرد در سیاست خارجی بعد از انقلاب اسلامی تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل را تجویز می‌کرد و با نگاهی خوشبینانه نسبت به فضای بین‌الملل درصدد بود که طرحی نو را در عرصه‌ی سیاست خارجی ایران تدوین نماید دولت موقت در تئوری و عمل و با دیدگاهی کلان، تمایل به غرب و نگرانی نسبت به نفوذ شرق، در تلاش برای جلب و بهبود روابط با دولت‌های دیگر به‌ویژه با ایالات متحده آمریکا بود (اسپوزیتو، جانال، ۱۳۸۲).

صدور انقلاب اسلامی در دوره جنگ تحمیلی

سیاست صدور انقلاب به یکی از مهمترین و راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی دولت جدید درآمد. در هنگام نگارش، قانون اساسی ایران مورد توجه رهبران قرار گرفت. از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه موازین شرعی و اسلامی تدوین شده است و چون اسلام مقوله‌ای جهان‌شمول است و به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، قانون اساسی نیز توجهی ویژه به مسائل خارج از مرزها نموده و اهداف و رسالت جهانی اسلام در آن به نحوی بارز نشان داده شده است؛ صدور انقلاب به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی پذیرفته شده و در قانون اساسی بر آن تأکید شده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفین بر مستکبرین بود. زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج فراهم می‌کند. به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل بار دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار و مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (منصور، ۱۳۷۸: ۱۴). هدف اصلی سیاست خارجی ایران از نظر روح الله رضانی (۱۳۸۸: ۴۷) از همان آغاز به‌کار حکومت جدید تبلیغ و گسترش انقلابی بود این هدف در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است. در حقیقت، قانون اساسی جدید ایران به وضوح نشانگر وجه اسلامی سیاست خارجی پویا و مبارزه جویانه است که هدفش اتحاد دنیای اسلام و گسترش حاکمیت خداوندی در روی زمین است.

دوره جنگ تحمیلی را می‌توان دوره طلایی سیاست صدور انقلاب دانست. چرا که علی‌رغم فشارهای عدیده که از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای به ایران وارد شده بود، اما سیاست صدور انقلاب عمدتاً در قالب تبلیغ و به شکل محدودتر در قالب حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش هزینه‌های انسانی و مالی گزافی را به دولت اسلامی تحمیل کرد و البته نتایج قابل ملاحظه‌ای نیز به همراه داشت. حمایت از مستضعفین و تلاش برای تحقق وحدت میان مسلمانان از نظر جمهوری اسلامی ایران این نیست که با استفاده از زور ملت‌ها را تحت حاکمیت نظام اسلامی درآورد، بلکه در پی آن است که با ایجاد وحدت فکری و روحیه برادری و برابری مسلمانان و ملت‌های محروم شرایطی را به‌وجود آورد تا آنها خود علیه نظام جور قیام کرده و زمینه تشکیل حکومت مطلوب را فراهم آورند (یزدانی، خجسته، پیشین: ۷۱).

جنگ تحمیلی اقدامی از سوی دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب در جهت نابودی آن قلمداد گردید. در چنین فضای فکری رهبران انقلاب وظیفه مصرح خود دیدند تا با اقدام نظامی در برابر تهاجم از انقلاب نوپا دفاع کنند. حفظ تمامیت ارضی به‌عنوان یکی از قواعد شرعی خوانده شد و لذا نظام اسلامی با فراخواندن نیروهای انقلابی قدم در راه دفاع از سرزمین اسلامی گذارد. حقیقت جنگ تحمیلی که در تاریخ انقلاب‌ها طولانی‌ترین جنگ بر ضد یک انقلاب محسوب می‌شود به دلیل این که جامعه جهانی تحولات آن را دنبال می‌کند بستر مناسبی برای صدور انقلاب است. با پایان جنگ می‌توان گفت انقلاب اسلامی نسبت به سایر انقلاب‌های جهان در قرن بیستم شناخته شده‌ترین آنهاست که در پایداری و دفاع قدرتمندانه موفق می‌شود صدای خود را به همه جای جهان منعکس کند. امروز این صدور الگوی انقلاب در ابعاد فرهنگی در شرف تکوین است. حضرت امام خمینی(ره) در جایی فرموده‌اند: هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جستیم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامیمان را محکم کردیم ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد (احمدی، ۱۳۷۹:۲۰۹)

برخی از حوادث نیز طی همین ادوار روی داد. مثلاً حادثه کشتار زائران توسط حکومت آل سعود و یا حکم قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب موهون و منحرف آیات شیطانی و... هر یک زمینه‌ای بود برای صدور پیام انقلاب به جهانیان. البته بیش از هر چیز پیام انقلاب هدف‌هایی را در ممالک اسلامی جستجو می‌کرد چرا که قرابت ارزش‌های ایران اسلامی با جوامع اسلامی پذیرش آن‌را از سوی مسلمانان تسهیل می‌کرد.

صدور انقلاب در دولت هاشمی رفسنجانی

با پایان یافتن جنگ، لزوم توجه جدی به ساختن ویرانی‌های ناشی از آن و رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه نخبگان تصمیم‌ساز را بر آن داشت تا با رویکردی درون‌نگر و با تأکید بر توسعه اقتصادی و معیشتی در پی ارائه مدلی نمونه از انقلاب اسلامی برآیند. با تفوق گفتمان واقع‌گرایی توسعه محور در سیاست خارجی، الگوی صدور انقلاب ماهیتی شفاف‌تر و مبتنی بر صلح و به دور از تنش به خود گرفت و در آن ارائه مدلی از توسعه و پیشرفت اسلامی مدنظر قرار گرفت تا دیگر مسلمانان بتوانند از آن الگوبرداری کنند. خطامشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب را می‌توان با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب سیاست عادی‌سازی روابط مورد بررسی قرار داد. در این دوره، ایران برای دستیابی به اعتبار و قدرت، سیاستی عمل‌گرا و توأم با همزیستی با دیگران را دنبال کرد. ساز و کارهایی مانند پذیرش نظم حاکم بر روابط بین‌الملل، احترام به قواعد و اصول بین‌المللی، تلاش در به وجود آوردن فضای همزیستی با دیگران، بالاخص همکاری با کشورهای همسایه و اروپایی در همین

راستا بود (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۵). در این دوره، واقع‌گرایان با درک این واقعیت که ایران محتاج کمک‌ها و همکاری‌های خارجی برای بازسازی است، سعی داشتند با تنش‌زدایی در روابط خارجی یک رابطه مسالمت‌آمیز و سالم با سایر کشورها داشته باشند.

در دوره سازندگی، صدور انقلاب ماهیتی اقتصادی دارد که با همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها، و ارتباط با دولت‌ها به جای ملت‌ها و گروه‌ها همراه شد و صدور انقلاب از طریق زور و دخالت در امور داخلی دیگران به شدت منع شد. هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، صدور انقلاب را اینگونه تبیین می‌کند: «آنان که تصور می‌کنند ما از طریق جنگ و تجاوز انقلابمان را صادر کنیم، در اشتباه هستند، بلکه چنانچه ما تحت شرایط موجود بتوانیم یک نوعی از توسعه متناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارائه دهیم، مدلی از توسعه، پیشرفت تکامل و معنویات اسلامی به جهان امروز ارائه دهیم، آنگاه ما در آن چیزی که دنیا از آن وحشت دارد و آن صدور انقلاب اسلامی است، توفیق یافته‌ایم» (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸). در این دوره نه تنها صدور انقلاب با سیاست‌های مداخله‌جویانه در امور دیگران و استفاده از زور و تهدید به شدت نهی شده است، بلکه تلاش می‌شود با استفاده از سیاست عادی‌سازی روابط و تنش‌زدایی، محیطی فراهم شود که در آن بتوان در آرامش کامل و با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در داخل یک الگو و مدل نمونه اقتصادی ارائه داد تا سرمشقی برای دیگر کشورهای منطقه باشد (ایزدی، خجسته، ۱۳۶۱: ۷۹).

در دیدگاه آقای هاشمی رفسنجانی، علاوه بر ارائه مدلی از توسعه و پیشرفت اقتصادی، ارائه فکر و پیام اسلام و انقلاب هم موجب صدور انقلاب می‌شود. «کاخ سفید عادت کرده است که این طور فکر کند که انقلاب اسلامی درصدد صدور انقلاب از طریق جنگ می‌باشد. این برداشت موجب ترس همسایگان ما شده بود. ولی اینک آنها می‌دانند که قصد ما از صدور انقلاب، ارائه فکر، ایده و راه قرآن به جهان می‌باشد» (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸). در این دوره، نه تنها صدور انقلاب با سیاست‌های مداخله‌جویانه در امور دیگران و استفاده از زور و تهدید به شدت نهی شده است، بلکه تلاش می‌شود با استفاده از سیاست عادی‌سازی روابط و تنش‌زدایی، محیطی فراهم شود که در آن بتوان در آرامش کامل و با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در داخل یک الگو و مدل نمونه اقتصادی ارائه داد تا سرمشقی برای دیگر کشورهای منطقه باشد.

در دیدگاه آقای هاشمی رفسنجانی، علاوه بر ارائه مدلی از توسعه و پیشرفت اقتصادی، ارائه فکر و پیام اسلام و انقلاب هم موجب صدور انقلاب می‌شود. «کاخ سفید عادت کرده است که این طور فکر کند که انقلاب اسلامی درصدد صدور انقلاب از طریق جنگ می‌باشد. این برداشت موجب ترس همسایگان ما شده بود. ولی اینک آنها می‌دانند که قصد ما از صدور انقلاب بعد از جنگ در سطح بالاتری پیگیری شد و به همه ابعاد و پتانسیل‌هایی که می‌توانست صدور انقلاب را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تسهیل کند، مورد توجه قرار گرفت (ایوبی، ۱۳۷۷). به‌طور کلی می‌توان گفت که دیدگاه غالب در دوران سازندگی نسبت به صدور انقلاب دیدگاهی درون‌نگر است که در آن بر ساختن جامعه الگو و نمونه از نظر اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است، یعنی الگویی که خود به خود مورد استقبال دیگران قرار گیرد.

صدور انقلاب در دولت آقای خاتمی

با پیروزی آقای خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ دورانی آغاز شد که در پی آن بود تا با طرح شعار جامعه مدنی در داخل، زمینه تحقق الگویی از انقلاب را فراهم آورد و در سیاست خارجی هم با طرح تز تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها در پی ارائه چهره‌ای مثبت و مسالمت‌آمیز از ایران نزد جهانیان برآمد. سیاست تنش‌زدایی خاتمی ترس برخی همسایگان را از صدور انقلاب ایران کم کرد و تفاهم بیشتر جایگزین آن شد. به طوری که بعد از نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی در آذر ماه ۱۳۷۶ در تهران، شرکت‌کنندگان در بیانیه پایانی، بر ضرورت تعامل مثبت، گفتگو و تفاهم میان فرهنگ‌ها و مذاهب تأکید کردند و فرضیه برخورد و درگیری را که موجب بی‌اعتمادی و تضعیف صلح است، مردود شمردند (دبیرزاده، ۱۳۸۲: ۲۴۹-۲۴۸).

بر اساس اصول مطرح شده در سیاست خارجی دولت خاتمی که بر تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید دارد، ایران می‌بایست به صورت یک قدرت مدنی در صحنه بین‌المللی رفتار کند (کریمی فرد، ۱۳۸۸: ۱۷۹). در گفتمان جدید که مبتنی بر صلح‌گرایی بود، صدور انقلاب به معنای ایجاد یک نظام مردمسالار در داخل ایران و ارائه آن به جهانیان به عنوان یک الگو مطرح است و بر بُعد مردمی بودن انقلاب اسلامی تأکید بیشتری شد.

در این دوره از جامعه مدنی و گفتگوی تمدن‌ها به مثابه ابزاری برای صدور انقلاب استفاده شد، چرا که در بستر جامعه مدنی و مردم‌سالاری بین‌المللی که بر پایه تفاهم همه کشورها و ملت‌ها شکل می‌گیرد، زمینه عرضه افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر فطرت خداجوی و حق طلب انسان است، فراهم است. در گفت‌وگوی تمدن‌ها، جمهوری اسلامی می‌تواند اندیشه‌ها و آرمان‌های خود را تبیین و عرضه کند و کشورها و ملت‌های دیگر می‌توانند آزادانه و داوطلبانه از آن نسخه‌برداری کنند. بنابراین، می‌توان گفت که صدور انقلاب فرایندی برای معرفی نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک الگوی نظام حکومتی اسلامی نمونه در جهان معاصر است (تاجیک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۲: ۷۴). گفتمان مسالمت‌آمیز جدید با استقبال روبه‌رو شد و تنش‌زدایی پیگیری شد و بسیاری از سفرهای کشورهای اروپایی به ایران برگشتند. چهره‌ای معتدل و میانه از ایران ترسیم شد و ایده گفتگوی تمدن‌ها که در این دوره مطرح شد، تأثیر مثبتی در شناساندن انقلاب اسلامی به دیگران داشت تا جایی که سال ۲۰۰۱ به نام سال گفتگوی تمدن‌ها نامگذاری شد. در این دوره، بر صدور انقلاب به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و براساس گفت‌وگو بر مبنای عقلانیت و در چهارچوب قواعد بین‌المللی تأکید می‌شود. ارائه الگوی جامعه‌ای دمکرات و مسلمان تحت عنوان الگوی مردم‌سالاری دینی در این دوره پیگیری می‌شد.

صدور انقلاب در دولت آقای احمدی نژاد

با پیروزی آقای احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و طرح شعارهایی مانند عدالت طلبی و تأکید بر ارزش‌های انقلاب از سوی ایشان به نوعی بازگشت به گفتمان ارزش محور دهه اول انقلاب بود که با ناعادلانه خواندن مدیریت بین‌المللی خواستار تغییر در ساختار مدیریت بین‌الملل و توجه بیشتر به ملت‌های محروم و مظلوم است. با این وجود، الگوی صدور انقلاب در این دوره همچنان مسالمت‌آمیز است

و مانند دوران سازندگی و اصلاحات، در چارچوب دکترین «ام القرای اسلامی» تعریف و تبیین می‌شود. اما در این دوره بر بعد رهبری ام القرا در جهان اسلام و رسالت جهانی آن تأکید و تمرکز می‌شود، صدور انقلاب ماهیتی برون‌گرا می‌یابد که معطوف به محیط پیرامونی و بیرونی جمهوری اسلامی است (دهقانی فیروز آبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۰). آقای احمدی نژاد مؤلفه‌های اصلی راهبرد سیاست خارجی خود را حفظ استقلال همه جانبه کشور و تعامل ملت‌ها و جنگ افروزی مطرح نمود (کریمی فرد، ۱۳۸۸: ۱۸۰). در واقع، این الگو به دنبال ساختن جامعه‌ای نمونه بر مبنای پایه‌های آموزه‌های اسلام و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در داخل و اشاعه و گسترش این آرمان‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است تا بتواند نظام ناعادلانه جهان را اصلاح کند و با تشکیل جامعه جهانی اسلامی، زمینه را برای حکومت مهدوی فراهم نماید.

سیاست خارجی ایران در این دوره نسبت به دوره‌های قبلی مواجهه جویانه‌تر به نظر می‌رسد و مواضع ایران در قبال موضوعاتی مثل انرژی هسته‌ای، اسرائیل و هولوکاست باعث ایجاد تنش گردید، اما ایستادگی ایران بر مواضع خود توأم با موفقیت بود و با استقبال مردم منطقه رو به رو شد و تهدیدهایی را که به دنبال ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه بود، کمرنگ ساخت. برای نمونه، «تریتا پارسی» رئیس نهاد غیر دولتی شورای آمریکائیان ایرانی تبار، معتقد است که موضع‌گیری آقای احمدی نژاد علیه اسرائیل باعث شد طرح هلال شیعی ناکام بماند و مردم از آن حمایت نکنند. (پارسی، ۲۰۰۷: ۴) در واقع در این دوره گفتمان انقلاب اسلامی بیش از آن که شیعی باشد بر اتحاد اسلامی تأکید دارد.

سیاست خارجی ایران در این دوره در پی ارائه الگوی دولت عدل اسلامی به جهان به‌ویژه مسلمانان و مستضعفان است و مهمترین کارکرد و کارویژه جمهوری اسلامی ایران تأمین عدالت و گسترش آن در سطح بین‌المللی است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۷۶). احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، یکی از مسئولیت‌های سنگین ملت ایران را معرفی انقلاب اسلامی به جهان می‌داند. ایشان ضمن تأکید بر معرفی انقلاب اسلامی به بشریت می‌گوید: «باید این مکتب و الگو را تبیین و به ملت‌های تشنه دنیا معرفی کنیم»، زیرا مأموریت جمهوری اسلامی تنها ایجاد دولت الگوی اسلامی در درون ایران نیست، بلکه مسئولیت بزرگ‌تر و مهم‌تر آن معرفی و ترویج الگوی توسعه یافته عدل اسلامی به سایر ملت‌ها و کشورهاست (دهقانی فیروز آبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۱). به چالش کشیدن نظام مدیریت بین‌المللی توسط آقای احمدی نژاد و ناعادلانه خواندن آن، در واقع نفی ساختاری بود که مانع از رواج اندیشه‌ها و ایده‌های دیگر ملت‌ها به سایر نقاط جهان می‌شود و نیاز است تا ساختار حاکم برداشته شود تا ملت‌ها آزادانه سرنوشت خود را انتخاب کنند و در این صورت می‌توان انتظار داشت صدای عدالت طلبانه ایران به گوش جهانیان برسد و از آن استقبال کنند (احمد نقیب زاده، ۱۳۸۱: ۴۵).

سیاست خارجی ایران در این دوره ضمن بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی، برخلاف دولت‌های قبلی که بیشتر توجه خود را معطوف مسئولین و مقامات رسمی کشورها می‌کرد، به ملت‌ها و گروه‌های غیررسمی توجهی ویژه دارد و ملت‌ها را به ظلم ستیزی و مقابله با نظام هژمونیک دعوت می‌کند. رئیس جمهور ایران برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در این دوره از ابزارهایی مثل نامه‌نگاری و پیام برای ملت‌ها و سخنرانی

در نهادهای عمومی مثل مجمع عمومی سازمان ملل و یا از جمله سخنرانی در دانشگاه کلمبیا استفاده می‌کند. در مجموع باید گفت که سیاست صدور انقلاب در این دوره ماهیتی مسالمت آمیز و ارزش محور دارد که در آن بر ایجاد جامعه نمونه اسلامی تأکید می‌شود و دولت در تلاش است تا با ابزارهایی مثل دیپلماسی عمومی و استفاده از قدرت نرم و تأکید بر آرمان‌ها، ارزش‌ها و توجه بیشتر به ملت‌ها به‌ویژه محرومین و مستضعفین پیام انقلاب اسلامی را به گوش جهانیان برساند (ایزدی، خجسته، ۱۳۶۱: ۸۲).

الگوی تحلیل سوات SWOT

الگوی تحلیل سوات از سوی اندیشمندانی چون دیوید هانگر و توماس الویلن ارائه شده است تکنیک یا ماتریس سوات (SWOT) ابزاری برای شناخت، تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی یک سیستم و بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی آن به‌منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل سیستم مزبور می‌باشد. این تکنیک به صورت تفصیلی در قالب مقاله‌ای کلاسیک تحت عنوان ماتریس سوات: ابزاری برای سنجش وضعیت در سال ۱۹۸۲ میلادی توسط هاینز وی ریچ معرفی گردیده است، با این وجود سابقه شکل‌گیری آن به پیش از تاریخ انتشار مقاله مزبور برمی‌گردد و افراد و جریان‌ات متعددی در تکوین و تکامل آن نقش داشته‌اند. به بیان دیگر شکل‌گیری تکنیک سوات تنها در تعامل با شکل‌گیری دیگر تکنیک‌های برنامه‌ریزی راهبردی قابل تبیین است.

بنابه گفته «آلبرت هامفری» یکی از پدران و پایه‌گذاران آنچه امروزه تحلیل «سوات» خوانده می‌شود، این تکنیک از درون پژوهش‌های سال‌های ۱۹۶۰ الی ۱۹۷۰ میلادی «انستیتو تحقیقات استانفورد» ریشه گرفته است. هامفری در مقاله‌ای تحت عنوان سرچشمه‌های مدل تحلیلی سوات شکل‌گیری این تکنیک را نتیجه تلاش جامعه برنامه‌ریزان شرکتی در راستای کشف علل ناکامی شیوه «برنامه‌ریزی شرکتی» در دوران مزبور و چاره‌جویی برای مشکلات آن معرفی می‌نماید. در نتیجه تحقیقات مذکور معلوم گردید برای آنکه اعضاء یک تیم برنامه‌ریزی شرکتی در مورد یک «تصمیم» به اجماع نظر نایل شوند لازم است یکایک حلقه‌های زنجیره‌ای که اصطلاحاً «زنجیره منطق» نام دارد مورد توجه قرار گیرد (گلکار، ۱۳۸۵: ۴).

زنجیره منطق از هشت گام متوالی شامل ۱- بازشناسی ارزش‌ها؛ ۲- سنجش وضعیت؛ ۳- انگیزش؛ ۴- جستجو؛ ۵- انتخاب؛ ۶- برنامه؛ ۷- اقدام؛ و ۸- پایش و تکرار گام‌های یک، دو و سه تشکیل می‌گردد. با این وجود آنان متوجه شدند از آنجا که نمی‌توان ارزش‌های اصولی و مبنایی نفرات تیم برنامه‌ریزی را تغییر داد، لذا بهتر است کوشش خود را بر یافتن روش‌هایی جهت انجام گام دوم، یعنی سنجش وضعیت متمرکز نمایند. در نتیجه این تلاش تکنیک سنجش وضعیتی موسوم به «سافت» (Soft) ابداع گردید و هنگامی که این تکنیک در سال ۱۹۶۴ میلادی در «سمینار برنامه‌ریزی بلندمدت» در شهر زوریخ ارائه شد، به پیشنهاد دو تن از پژوهشگران حاضر در سمینار («یوریک» و «آر») حرف "F" به "W" تغییر داده شد آن را تحلیل «سوات» نامیدند.

در سیر شکل‌گیری تکنیک سوات سه مرحله تکاملی گزارش شده است که عبارتند از: ۱- تدوین تکنیک‌هایی که به سنجش نقاط قوت و ضعف درونی سیستم پرداخته اند، ۲- تدوین تکنیک‌هایی که به تحلیل تهدیدات و فرصت‌های محیط خارجی سیستم توجه داشته‌اند و ۳- تدوین تکنیک سوات که به تعامل و هماهنگ‌سازی این دو دسته متغییر داخلی و خارجی می‌پردازد. سوات مبتنی بر چهار مؤلفه محوری قوت و همافزایی (Strengthen)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) است.

قوت و ضعف عناصر داخلی و فرصت و تهدید عناصر خارجی هستند. در سوات اصل بر این است که کشور نباید منتظر ظهور فرصت‌های استثنایی در محیط خارجی باشد و لذا باید با استفاده از مزایای خود مزیت رقابتی جدید را خلق نماید. از انطباق مؤلفه‌های چهارگانه مذکور چهار استراتژی ظاهر می‌شود که مبنای تحلیل شرایط جاری و برآیند آن نیز تصمیم اتخاذ می‌شود. این چهار استراتژی موارد ذیل هستند. استراتژی قوت- فرصت که به آن Maxi-max نیز می‌گویند. در این استراتژی سیستم تلاش دارد تا با استفاده از نقطه قوت داخلی و فرصت‌های بین‌المللی مزیت‌هایی را ایجاد نماید. مدیران ارشد و تصمیم‌سازان عموماً علاقه دارند که در موقعیتی قرار گیرند که بتوانند با استفاده از نقاط قوت خود از رویدادهای و روندهای جاری بهره‌گیرند.

استراتژی ضعف- فرصت که به آن Mini-Max نیز می‌گویند. در این استراتژی سیستم تلاش دارد تا با بهره‌گیری از فرصت‌های خارجی ضعف‌های داخلی خود را بپوشاند و یا با برطرف کردن نقاط ضعف خود حداکثر بهره را از فرصت‌ها ببرد. گاهی در خارج از سیستم فرصت‌های مهمی وجود دارد ولی کشور به واسطه ضعف داخلی نمی‌تواند از این فرصت‌ها استفاده کند.

استراتژی قوت- تهدید که به آن Maxi-Min نیز می‌گویند. در این استراتژی کشور تلاش می‌کند تا با نقاط قوت خود اثرات ناشی از تهدیدات خارجی به حداقل رسانده و یا در صورت امکان از بین ببرد.

استراتژی ضعف- تهدید که به آن Mini-Min نیز می‌گویند. در این استراتژی کشور تلاش دارد تا موضع تدافعی بگیرد و هدف از آن کاهش نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات خارجی است. تقسیم‌بندی مذکور در جدول شماره ۱ سوات بیان شده است.

جدول شماره (۱) سوات

ضعف Weakness	قوت Strngthen	محیط داخلی و بیرونی
استراتژی‌های ضعف- فرصت O-W	استراتژی‌های قوت- فرصت O-S	فرصت‌ها Opportunity
استراتژی‌های ضعف- تهدید T-W	استراتژی‌های قوت- تهدید T-S	تهدیدها Threat

اگرچه مجموعه متغیرهای موجود در ماتریس سوات (یعنی قوت، ضعف، فرصت و تهدید) متغیرهای جدیدی نیستند؛ لیکن نکته بدیع این تکنیک را باید در توانایی آن در هماهنگ نمودن و یافتن ارتباط نظام‌مند میان متغیرهای مزبور دانست. هر چند بسیاری از مؤلفین حوزه برنامه‌ریزی راهبردی به لزوم بهره‌گیری شرکت‌ها از قوت خود برای استفاده از فرصت‌ها اعتقاد دارند، اما نباید معادلات مهم دیگری همچون کاستن از ضعف‌ها به منظور بهره‌جستن از فرصت‌ها مورد غفلت قرار گیرد. به هر حال یک «ضعف» در حقیقت به مفهوم نبود «قوت» است و تلاش در جهت کاستن از ضعف می‌تواند به نوبه خود به تدوین یک راهبرد متمایز برای مؤسسه بیانجامد. ماتریس «سوات» یک چارچوب مفهومی است که برای تلفیق عوامل درونی و بیرونی و پایه‌گذاری راهبرد بر اساس تعامل متغیرهای مزبور ایجاد شده است. این تکنیک همچنین ابزاری برای ترغیب تصمیم‌گیران جهت یافتن تاکتیک‌ها و اقدامات مؤثرتر می‌باشد (گلکاری، ۱۳۸۵: ۵)



شکل (۱) الگوی ارزیابی و انتخاب استراتژی

تحلیل SWOT ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی‌های درونی سازمان است. پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک و همین‌طور بازاریابی، شناخت محیط پیرامونی سازمان است. حروف SWOT که آن را به شکل‌های دیگر مثل TOWS هم می‌نویسند، ابتدای کلمات Strength به معنای قوت، Weakness به معنای ضعف، Opportunity به معنای فرصت و Threat تهدید است. ماتریس بالا خود گویای برآیند حاصل از ترکیب عناصر چهارگانه پیش گفته است. اساساً ترکیب قوت و فرصت موجب دستیابی به راهبردهای تهاجمی می‌شود. ترکیب عناصر قوت و ضعف ج.ا.ایران را به استراتژی‌های ادغام که به نوعی متنهی به ثبات هستند هدایت می‌نماید. ترکیب فرصت‌ها و ضعف‌ها موجب تنوع راهبردی شده و به سان مورد پیشین ادغام را در پی دارند. در نهایت امر ترکیب عناصر تهدید و ضعف موجب روندها و فرایندهای کاهش در راهبردهای پیش روی نظام خواهد شد.

تحلیل سیاستگذاری صدور انقلاب

در چارچوب سیاست صدور انقلاب اسلامی، پژوهش ابتداً منابع قوت، ضعف، فرصت و تهدید را در محیط داخلی و خارجی شناسایی خواهد کرد. آگاهی از این منابع برای گسیل به مرحله ارائه خط مشی‌ها در چهار عرصه قوت- فرصت، ضعف- فرصت، قوت- تهدید و در نهایت امر ضعف- تهدید فراهم خواهد آورد.

سیاست صدور انقلاب اسلامی علی‌رغم شدت و ضعف‌ها و فراز و فرودها در همه کابینه‌های تشکیل شده پیگیری شد. از ابتدای انقلاب اسلامی، رویکردهای متفاوتی بر عرصه‌ی سیاست خارجی ایران مستولی گشته است. به تبع با دقت در گفتمان‌های سیاست خارجی و چگونگی تأثیرگذاری گفتمان‌های مختلف بر رفتار سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌توان به درک بهتری از جهت‌گیری سیاست خارجی بعد از انقلاب اسلامی رسید. اولین رویکرد در سیاست خارجی بعد از انقلاب اسلامی نگاه لیبرالی نسبت به نظام بین‌الملل بود که تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل را تجویز می‌کرد و با نگاهی خوشبینانه نسبت به فضای بین‌الملل درصدد بود که طرحی نو را در عرصه‌ی سیاست خارجی ایران تدوین نماید. دولت موقت در تئوری و عمل و با دیدگاهی کلان، تمایل به غرب و نگرانی نسبت به نفوذ شرق، در تلاش برای جلب و بهبود روابط با دولت‌های دیگر به‌ویژه با ایالات متحده آمریکا بود.

با شکل‌گیری شرایط جدید در داخل و بیرون از جمهوری اسلامی ایران و بسیج نیروهای کشور به دنبال جنگ تحمیلی، در جهت دفاع از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی، اندیشه‌های آرمان‌گرایانه اندک اندک توانست نفوذ خود را بر تمامی عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی کشور گسترش دهد. تأکید بر صدور انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن، مبارزه با نیروهای طاغوت و ایستادگی در مقابل قدرت‌های استکباری غرب و شرق از جمله مواردی بودند که آرمان‌گرایان مورد توجه قرار دادند. تسلط گفتمان ارزش محور یا آرمان‌گرا در بین سال‌های ۶۸-۶۰ باعث گردید که برداشت تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی تماماً ایدئولوژیک باشد و ارزش‌های اخلاقی فراتر از منافع ملی قرار گیرد. اهدافی که سیاست خارجی ایران در این سال‌ها دنبال می‌کرد عبارت بودند از طرح صدور انقلاب اسلامی، بیان فرضیه‌ی جهاد در دو بعد فرهنگی و نظامی، طرح موضوع استکبارستیزی و بیداری ملل مستضعف، بیداری ملل مسلمان جهان، به‌خصوص بیداری ملل حاشیه خلیج فارس که به خاطر اشتراکات مذهبی و فرهنگی روی آنها تأکید خاصی می‌شود.

الزامات ناشی از زیستن در نظام به هم پیوسته بین‌المللی، کم‌کم رویکردهای واقع‌گرایانه در سیاست خارجی ایران نمود یافت. نظام اسلامی ایران توانست تا حدود زیادی امکانات و محدودیت‌های خود را شناسایی کند و با توجه به آنها در جهت بازسازی روابط خود با سایر کشورها گام بردارد. در دوران ریاست جمهوری خاتمی رویکرد واقع‌گرایانه بر دستگاه سیاست خارجی تا حدی غلبه یافت و از شدت طرح مباحث ارزشی و آرمانی در سیاست خارجی کاسته شد. در این دوران گفتمان فرهنگ‌گرای سیاست محور در صدر برنامه‌های دولت قرار گرفته بود. پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و طرح برنامه‌های رئیس‌جمهور جدید، گسترش روابط خارجی و رسیدگی به مسائل و امور خارجی در چارچوب رهیافت واقع‌گرایی باید ادامه

می‌یافت؛ با این تفاوت که نحوه بیان و شیوه‌ی رفتار و برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قائل شدن به توسعه‌ی صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد.

الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، مانند دوران سازندگی و اصلاحات، در چارچوب دکترین «ام‌القرای اسلامی»، تعریف و تعیین می‌شود. این امر بدان معناست که الگوی صدور انقلاب در این دولت نیز بر پایه‌ی ایده «انقلاب مستقر» ماهیتی مسالمت‌آمیز، الگوپردازانه، فرهنگی و گفتمانی دارد. اما در این دوره، بر بُعد رهبری ام‌القرای در جهان اسلام و رسالت جهانی آن تأکید و تمرکز می‌شود؛ زیرا موقعیت و مرکزیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القرای گرچه مستلزم حفظ بقای آن است، بقای آن نافی رسالت و مسئولیت فراملی آن نسبت به سایر مسلمانان و مستضعفان نیست؛ به‌طوری‌که، تثبیت و تحکیم انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران به معنای فراموشی و غفلت از رسالت جهانی و انسانی انقلاب اسلامی نیست بلکه برعکس، تقویت جمهوری اسلامی تکلیف و وظیفه‌ی آن در قبال سایر ملت‌ها و انسان‌ها را افزایش می‌دهد. از این رو، الگوی صدور انقلاب، ماهیتی برون‌گرا می‌یابد که معطوف به محیط پیرامونی و بیرونی جمهوری اسلامی است (متقی، ۱۳۸۵: ۱۷). ماهیت و عوامل تعیین‌کننده اتخاذ اراده و معرفی دولت عدل اسلامی به‌عنوان الگوی صدور انقلاب اسلامی در سیاست خارجی دولت نهم بررسی شد.

مدل سوات ابتدا اقدام به شناسایی نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت‌های پیش روی سیاست‌های صدور انقلاب می‌کند. پس از آن اقدام به دسته‌بندی آنها نموده و در ماتریس‌های مربوط به خود در جدول سوات چینش می‌کند در راهبرد قوت- فرصت به نقاط قوت حکومت اسلامی و فرصت‌های موجود در کشورهای اسلامی که فرآیند بیداری را تجربه نموده‌اند راهکارهایی را برای صدور مؤثرتر انقلاب اسلامی به این جوامع استخراج نمایند. دومین راهبرد قوت- تهدید راهبردهایی را با نگرش توأمان به نقاط قوت داخلی و تهدیدات موجود در محیط داخلی کشورهای که بیداری اسلامی را تجربه نموده‌اند، راهکاری را برای صدور بهتر پیام انقلاب اسلامی به آنها معرفی نماید. سومین راهبرد ضعف- فرصت به ضعف داخلی حکومت اسلامی ایران و فرصت‌هایی که در کشورهای اسلامی که بیداری اسلامی را تجربه نموده‌اند ظهور نموده پیشنهاداتی را جهت صدور انقلاب اسلامی معرفی نماید. در نهایت امر چهارمین راهبرد به ضعف- تهدید موسوم است که در آن پژوهشگر با لحاظ نمودن ضعف‌های داخلی نظام حکومت اسلامی و تهدیدات پیش رو در کشورهای اسلامی که به تبع بیداری اسلامی تجلی نموده پیشنهاداتی را برای صدور و یا زمینه‌سازی صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی بیابد.

راهبردهای مبتنی بر قوت- فرصت و قوت- تهدید S-O و S-T

این حالت، مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین حالت است و بدین معنی است که ضمن آنکه از توانایی‌ها و نقاط قوت برخوردار و قابل اتکایی برخوردار است، در محیط تعاملی و زمینه‌ای خود نیز با فرصت‌های مناسب و

گرانبهایی مواجهه است. بنابراین، این دسته از راهبردها چگونگی بکارگیری توان موجود سازمان در جهت بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های مغتنم محیطی را بیان می‌دارد. در این استراتژی سازمان تلاش دارد تا با استفاده از نقطه قوت داخلی و فرصت‌های بین‌المللی مزیت‌هایی را ایجاد نماید. مدیران ارشد و تصمیم‌سازان عموماً علاقه دارند که در موقعیتی قرار گیرند که بتوانند با استفاده از نقاط قوت خود از رویدادها و روندهای جاری بهره‌گیرند.

برجسته‌سازی معنویت در سیاست خارجی

مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی دگرگونی نگرش به انسان، جامعه، سیاست و حکومت بود. از این رو تفکر سیاسی و فلسفه حکومت تحت تأثیر آموزه‌های امام خمینی (ره) دچار تغییرات زیادی شد، مقایسه اجمالی شعار انقلاب‌های مختلف معاصر و انقلاب اسلامی می‌تواند گویای تفاوتی عمیق و اساسی باشد. اهداف مادی، شعار مشترک انقلاب‌های معاصر بود به طوری که این ذهنیت شکل گرفت که انقلاب و دگرگونی کامل ساختار حکومتی و ایجاد نظامی جدید در واقع برای بهبود و توسعه اقتصادی، رفاهی و خدماتی است. همزمان با حاکمیت این فرهنگ در جهان، انقلاب اسلامی با خصلت‌ها و ویژگی‌های خود تمامی معادلات و محاسبات و پیش‌بینی‌های متداول و متعارف جهان را بر هم زد. «انقلاب به نام خدا»، «انقلاب معنویت»، «انقلاب دینی» و «انقلاب مستضعفین» از جمله عناوینی است که ناظران خارجی و نظریه پردازان به این حرکت انقلابی در دنیای معاصر داده‌اند. معنویت‌گرایی در داخل در پرتو هماهنگی «گفتار» و «کردار» حاصل می‌شود این در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد «گفتار نیک»، «پندار نیک» و «رفتار نیک» از آموزه‌های کهن دینی در ایران همیشه عدالت‌جو و حقیقت طلب بوده است. انقلاب اسلامی احیاءکننده فرهنگ «ایران اسلامی» است؛ که ضمانت استمرار و بقای خود را در تطابق «گفتار» و «عمل» نخبگان سیاسی، روشنفکران فکری و اجتماعی خود پی می‌گیرد. معنویت‌گرایی در اجتماع امروز، محکمی است برای بررسی نظر مردم در این ارتباط. هر چه میزان معنویت‌گرایی در جامعه بیشتر شود نشان از ادراک مردم معطوف بر تطبیق رفتار و گفتار مؤلفه‌های از پیش اشاره شده است. روند معنویت‌گرایی در پرتو انقلاب اسلامی ایران احیاء شده، تشدید گشت؛ و در پرتوی هشت سال دفاع مقدس داشته‌های فرهنگی و تاریخی خود قوام بیشتری یافت؛ اما سیر نزولی این معنویت‌گرایی را از دهه‌ی دوّم ملاحظه می‌کنیم که امروز در دهه‌ی سوم با بازتعریف آن در پرتو گرایش به زندگی مدرن، در آینده به شکل و شمایی دیگری نمود خواهد یافت که از محتوای هویتی همان معنویت‌گرایی بهره‌مند ولی از شکل و فرم‌اسیون متفاوتی تبعیت خواهد نمود. در سطح بین‌الملل نیز بازگشت به معنویت مشکل بنیادین بسیاری از هویت‌های جنبش اجتماعی است «انقلاب اسلامی»، امروزه در جای جای کشورهای اسلامی و آزادیخواه‌رذپایی از این معنویت‌گرایی را تشدید نموده است. در لبنان در فلسطین و میان رزمندگان جهادی، در شمال آفریقا و حتی در ایالات متحده آمریکا این شکل گفتمانی تأثیرگذار بوده است؛ نظریه میشل فوکو در باب انقلاب اسلامی و بازگشت به معنویت در مقام هویت اساسی گفتمان انقلاب در ایران یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها در این زمینه است.

تحکیم مردم سالاری دینی در منطقه

ایران پرچمدار مردم سالاری دینی هستند و در حالی غرب شعار اقتصاد مبتنی بر دانش را سر می دهد که قرن ها پیش، مدیریت مبتنی بر دانش و ایمان شعار قرآن بوده است. اساس حکومت جمهوری اسلامی ایران را بر پایه مردم سالاری دینی دانست جمهوری اسلامی [هم بر این] دو پایه استوار است: یکی جمهوری، یعنی آحاد مردم و جمعیت کشور، آنها هستند که امر اداره کشور و تشکیلات دولتی و مدیریت کشور را تعیین می کنند و دیگری اسلام، یعنی این حرکت مردم بر پایه تفکر اسلام و شریعت اسلامی است... در چنین کشوری اگر حکومتی مردمی است، پس اسلامی هم است در چنین نظام اسلامی، یعنی مردم سالاری دینی، مردم انتخاب می کنند، تصمیم می گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند. یکی از مهمترین علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران، وجود حکومت استبدادی پادشاهی و بی اعتنایی و حتی مخالفت آن حکومت با اعتقادات مذهبی مردم بود. به همین دلیل، پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، اصلی ترین و اولین تلاش نظام جدید، بنا و استقرار دولتی بود که از یک سو اصول و معیارهای دموکراتیک در آن رعایت شود و خطر همیشگی استبداد از ایران رخت بر بندد و از سوی دیگر خواسته قلبی و واقعی ملت ایران که همان پیاده شدن و اجرای احکام اسلامی است تحقق یابد.

گرچه تاکنون در عمل بنا به دلایلی ممکن است گاهی رکن جمهوریت نظام مورد تردید، ضعف، فراموشی یا دستبرد عده ای کج اعتقاد و بداندیش و زمان و مکان ناشناس قرار گرفته باشد؛ اما در مجموع روند حرکت به سوی مردم سالاری دینی بوده و هست و جز این نیز نمی تواند باشد. پس از دوم خرداد و هفتمین انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب خاتمی به عنوان رئیس جمهور، این روند سرعت و شتاب بیشتری گرفته است و با طرح اصلاحات وی، زمینه تقویت آن بیشتر فراهم شده است (مولانا، محمدی، ۱۳۸۷).

استراتژی های اقدام (ثبات) قوت - تهدید S-T

در این حالت، سازمان هر چند از قوتها و توانایی های قابل اتکایی برخوردار است ولی، در محیط تعاملی و زمینه های خود نیز با چالشها و تهدیدهای متعدد و جدی روبه رو می باشد. بنابراین، این دسته از راهبردها چگونگی بهره گیری از حداکثر توان موجود برای مقابله بهینه با فشارها، چالشها و تهدیدهای محیطی را ترسیم می کند. در این استراتژی کشور تلاش دارد تا با بهره گیری از فرصت های خارجی ضعف های داخلی خود را بپوشاند با برطرف کردن نقاط ضعف خود حداکثر بهره را از فرصت ها ببرد. گاهی در خارج از کشور فرصت های مهمی وجود دارد ولی کشور به واسطه ضعف داخلی نمی تواند از این فرصت ها استفاده کند.

استفاده از ظرفیت های داخلی در مقابل تحریمها

پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که خصوصاً در سال های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، عرصه اقتصادی است. بنابراین انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگو سازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبار ستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم

اقتصاد مقاومتی است برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد اتکای به ظرفیت‌های درونی نیازمند بر نامه ریزی بلند مدت است، بنابراین برای اتکا به این ظرفیت‌ها لازم است تا راهبردهای بلندمدت برای تحقق اقتصاد مقاومتی طراحی و اجرا شوند (موسی نجفی، ۱۳۸۷: ۱۳۴) راهبرد استفاده از ظرفیت‌های داخلی در مقابل تحریم‌ها از ترکیب قوت‌ها شامل: ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن، عدالت‌گرایی انقلاب اسلامی و تهدیدات شامل: ضعف و چالش‌های دولت‌های متحد با انقلاب اسلامی ایران، رقابت‌های منطقه‌ای: فشار منطقه‌ای حاصل می‌شود.

راهبردهای مبتنی بر ضعف - فرصت و ضعف - تهدید W-O و W-T

در این راهبرد، هر چند فرصت‌های متعدد و گرانبهایی برای کشور در محیط فراهم است ولی، از سوی دیگر دچار ضعف‌ها و ناتوانی‌ها نیز است. بنابراین، با استفاده از راهبردهای (O-W) باید نهایت تلاش خود را برای جبران ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود با استفاده از فرصت‌های محیطی به‌کار بندد. در این استراتژی کشور تلاش می‌کند تا با نقاط قوت خود اثرات ناشی از تهدیدات خارجی را به حداقل رسانده و یا در صورت امکان از بین ببرد.

افشای سکوت جامعه جهانی در برابر نقض حقوق انسانی

بررسی روند تکامل مفهوم حقوق بشر در تاریخ جهان نشان می‌دهد تعریف این حقوق، راهی برای مستقل کردن تعریف منافع و حقوق عمومی از دخالت‌های سیاسی حکمرانانی بوده که معمولاً براساس منافع خود برای «دیگران» حقی تعریف می‌کرده‌اند. سنت ناصواب سوءاستفاده از حقوق الهی برای سرکوب حقوق بشر در قرون وسطی از یکسو و استبداد پادشاهان در برخورد با شهروندان از سوی دیگر باعث شد اندیشمندان در عصری که در غرب به «روشنگری» مشهور شد؛ از حقوق انسان، مستقل از آنچه اراده سیاستمداران بر آن است، سخن بگویند. روشن است در ادیان الهی، تأکید بسیاری بر حقوقی شده که انسان به دلیل انسان بودن از آن بهره‌مند است؛ اما انحراف حکومت‌ها از این آموزه‌ها و سوءاستفاده از برخی تعالیم دینی از سوی سیاستمداران مدعی باعث شدند اندیشه پیدایش منشوری به نام «حقوق بشر» پدید آید و توسعه یابد. راهبرد افشای سکوت جامعه جهانی در برابر نقض حقوق انسانی شامل ترکیب نقاط ضعف‌ها عبارتند از اقتصاد تک محصولی است. فرصت‌ها شامل بحران‌های تفکرات سکولاریستی توسعه شبکه‌های رسانه‌ای در جهان امروز گسترش ظرفیت‌های گردشگری در جهان امروز حاصل می‌شود

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده است که با شناسایی دقیق محیط داخلی بر اساس نقاط قوت و ضعف و محیط خارجی بر اساس مؤلفه‌های فرصت و تهدید اقدام به ارائه راهبردهای مناسب بر اساس تطبیق رابطه منطقی

بین هر یک از مؤلفه‌های داخلی با ترکیب دو عامل خارجی راهبرد مناسبی ارائه شود با وجود این که راهبردهای این پژوهش صورت بکلی ارائه شده است اما می‌تواند زمینه و بستر مناسبی جهت پژوهش‌های بعدی را فراهم آورد که تاکید بر شرایط ژئوپلیتیکی و فرهنگی مناطق مورد نظر می‌تواند سیاست‌های مناسبی برای صدور انقلاب اسلامی به آن مناطق را تدوین کند. از لوازم اصلی موفقیت در مسیر نیل به اهداف گفتمان صدور انقلاب همان تبیین صحیح و واقع‌بینانه وضعیت موجود است. تحلیل نادرست از فرصت‌ها و تهدیدها از یکسو و ضعف و قوت‌های مرتبط با گفتمان صدور انقلاب می‌تواند به تضعیف و در نهایت فراموشی گفتمان صدور انقلاب شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد اکنون نقاط تمرکز اصلی دشمن بر کشورهای خاصی همچون مصر، سوریه، بحرین، یمن قرار دارد؛ مصر زمان دیکتاتوری مبارک، ستون سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در منطقه بود و تأثیرگذاری این کشور بر جوامع عرب منطقه بسیار زیاد است. البته در این شرایط نباید موضوع فلسطین به فراموشی سپرده شود و رهایی ملت مظلوم فلسطین از ستم‌های صهیونیست‌ها و حامیان‌شان همچنان باید در اولویت اول جهان اسلام باشد و در ترسیم اهداف و برنامه‌های گفتمان صدور انقلاب مورد توجه اساسی قرار گیرد. خطر اصلی در مورد گفتمان صدور انقلاب را که در کلام رهبر معظم انقلاب نیز بدان اشاره شده است می‌توان در این دو عنوان اصلی خلاصه نمود: «فرصت طلبی» و «شبیه‌سازی». فرصت طلبی عبارت است از وارد شدن نظام سلطه به قصد فریب انقلابیون و راضی نمودن مردم به همان دستاوردهای جزئی و ابتدایی اولیه. منظور از شبیه‌سازی توطئه و دخالت در امور داخلی کشورهای مستقل جبهه مقاومت برای ایجاد ناآرامی و براندازی است. این اقدام در خصوص ایران و سوریه مصداق دارد. در این خصوص ضرورت هم‌فکری و وحدت نظر نخبگان فکری جوامع اسلامی دو چندان می‌شود. باید برنامه‌ریزی مشخص در ابعاد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای هر کشور، مبتنی بر شرایط خاص آن کشور صورت پذیرد. تأسیس یک مجمع دائمی تحت عنوان «مجمع جهانی بیداری اسلامی» که دبیرخانه آن در تهران مستقر شده است از اقدامات ضروری و به‌جای جمهوری اسلامی بود و هدفش این است که از این طریق بتوان با هم‌فکری و تضارب آراء بین نخبگان فکری و اندیشمندان کشورهای اسلامی به تقویت و استحکام برای نیل به اهداف عالیه‌اش مساعدت نماید بدون شک نظام‌های آینده کشورهای منطقه بر بسترهای فرهنگ اسلامی بنا خواهد شد. البته ما نباید الزاماً برپایی مدل حکومتی ج.ا.ا را در این کشورها انتظار داشته باشیم. یقیناً در نظام‌های تازه تأسیس، شریعت اسلام، از منابع اصلی تدوین قانون اساسی آنها خواهد بود. به‌علاوه سرمایه اجتماعی موجود در این جنبش‌ها و اعتماد موجود در بین مجموعه گروه و فعالین این حرکت‌ها به مثابه پتانسیل عظیمی - در صورت مدیریت هوشمندانه - می‌تواند آینده درخشانی را برای این جوامع ترسیم نماید. در ایران نقش پررنگ علمای شیعه در طول مبارزه با نظام ستم‌شاهی یکی از مؤلفه‌های اساسی پیروزی آن بود، امروزه پیشگامی علمای شیعه را در بحرین نیز شاهد هستیم. لذا ضروریست رهبران دینی و روشنفکران کشورهای اسلامی و نقش مردمی آنها در تحولات منطقه تقویت شده تا به‌عنوان گروه مرجع، نقش هدایتگری، کادرسازی و نظام‌سازی برای آینده انقلاب‌ها داشته باشند.

منابع

- اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۷۸)، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، قم: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران: فصلنامه مطالعات ملی.
- ایوبی حجت‌الله (۱۳۷۷)، شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی.
- اینگلیس، فرد (۱۳۷۷)، *نظریه رسانه‌ها*، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی، حمید (۱۳۶۹)، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی* در: مقالاتی پیرامون جهان سوم، تهران: سفیر.
- اخوان مفرد، حمید (۱۳۸۱)، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، قومس.
- اسپوزیتو، جانال (۱۳۸۲)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه دکتر محسن مدیرشانه‌چی، مقاله صدور انقلاب ایران: سیاست اهداف و وسایل، روح‌الله کارگر رضائی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اسلامی، مسعود (۱۳۶۹)، ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نشر همراه.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، صلح و امنیت بین‌الملل، رویکرد اسلامی، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل، به اهتمام حسین پوراحمدی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، جلد‌های ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۱. جلد‌های ۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸)، *تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران*، بازخوانی تأثیرات انقلاب اسلامی.
- منصور، جهانگیر (۱۳۷۸)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دوران.
- مولانا، عبدالحمید؛ محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد*، تهران: نشر دادگستر.
- میرآقایی، سیدجلال (۱۳۷۹)، *جهان اسلام، مشکلات و راهکارها*، نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- نجفی، موسی (۱۳۸۷)، *انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی موج چهارم بیداری اسلامی*، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی ج.ا.ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.